



انجمن علمی فقه‌بزرای تطبیقی ایران



فصلنامه فقه‌بزرای تطبیقی

Volume 2, Issue 5, 2023

Intention and its Effect on Criminal Liability with a Comparative Approach to other Elements of Crime

Mehdi Yousefi¹, Seyed Sajjad Kazemi*², Ahmad Falahi³

1. PhD Student, Department of Criminal Law and Criminology, Sanandaj Branch, Islamic Azad University, Sanandaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Malayer University, Malayer, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities and Social Sciences, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 271-284

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-9943-3150

TELL: +989183861934

Email: sskazemi92@malayeru.ac.ir

Article history:

Received: 05 Jul 2022

Revised: 28 Aug 2022

Accepted: 07 Sep 2022

Published online: 20 Feb 2023

Keywords:

Intention, Criminal Capacity, Criminal Liability, Obstacles to Criminal Liability.

ABSTRACT

Criminal's overall understanding of the concept of intention and his general interpretation in this field is one of the important challenges of the Islamic Penal Code in the field of criminal responsibility. The purpose of the article is to investigate this important question, what is the effect of intention on criminal responsibility? The following article is descriptive and analytical and the subject has been investigated using a library method. Findings it showed that it is necessary to prove the existence of intention in all crimes, whether intentional or unintentional. The basis of criminal responsibility is the voluntariness of the behavior. If a person do not have the right to freely choose his own behavior, which means that he lacks freedom of intention or there is no opportunity for him to choose his behavior, then he cannot be held criminally responsible. In the analysis of the role of intention in the realization of criminal responsibility in Iranian law, it should be said that the Mens Rea is the cornerstone of every crime and until the criminal thought of the perpetrator is analyzed, intention cannot violate the law. The intention is an invisible thing and it must always be a intention to commit a crime.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2023 The Authors.

How to Cite This Article: Yousefi, M; Kazemi, SS & Falahi, A (2023). "Intention and its Effect on Criminal Liability with a Comparative Approach to other Elements of Crime". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 2(5): 271-284.



انجمن علمی فقه‌های تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌های تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌های تطبیقی

دوره دوم، شماره پنجم، اسفند ۱۴۰۱

اراده و تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری با رویکرد تطبیقی به سایر ارکان جرم

مهدی یوسفی^۱، سیدسجاد کاظمی^{۲*}، احمد فلاحی^۳

۱. دانشجوی دکتری گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، دانشگاه ملایر، ملایر، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

چکیده

برداشت مجمل قانون‌گذار کیفری از مفهوم اراده و تعبیر کلی وی در این زمینه از چالش‌های مهم قانون مجازات اسلامی در بخش مسؤولیت کیفری است. هدف مقاله حضار بررسی این سؤال مهم است که اراده چه تأثیری بر مسؤولیت کیفری دارد؟ مقاله پیش رو توصیفی - تحلیلی است و با استفاده از روش کتابخانه‌ای به بررسی موضوع مورد اشاره پرداخته شده است. یافته‌ها نشان داد اثبات وجود اراده در همه جرایم، خواه عمدی یا غیرعمدی، ضروری است. مبنای مسؤولیت کیفری، ارادی بودن رفتار است. اگر فردی آزادانه حق انتخاب رفتار ارتكابی خویش را نداشته باشد، بدین معنی که فاقد آزادی اراده باشد یا مجالی برای انتخاب رفتار توسط وی وجود نداشته باشد، نمی‌توان برای وی مسؤولیت کیفری قائل شد. در تحلیل نقش اراده در تحقق مسؤولیت کیفری در حقوق ایران باید گفت که عنصر معنوی رکن هر جرم است و تا زمانی که فکر مجرمانه مورد تجزیه و تحلیل مرتکب قرار نگیرد، سپس عزم ذهنی جرم را برای تجلی بخشیدن و ظهور و بروز عالم مادی و بیرونی جرم نکرده باشد، اراده نمی‌تواند نقض قانون کند؛ اگرچه اراده امری نامرئی است و همیشه باید اراده‌ای برای جرم باشد که پس از آن عنصر روانی واری گردد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۷۱-۲۸۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۳۱۵۰-۹۹۴۳-۰۰۰۲-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۸۳۸۶۱۹۳۴

ایمیل: sskazemi92@malayeru.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۴

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۱

واژگان کلیدی:

اراده، اهلیت کیفری، مسؤولیت کیفری، موانع تحقق مسؤولیت کیفری.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

عمومی‌ترین وجه حقوق کیفری، سزاهدنگی است؛ این اقدام در مقام واکنش کیفری به کنش مجرمانه افراد تبلور می‌یابد. حلقه ارتباط و همزه وصل بین کنش و واکنش کیفری، مسؤولیت کیفری است که خود برپایه اهلیت کیفری قوام می‌یابد. در کنار عنصر آگاهی، اراده نیز به‌عنوان جانمایه اهلیت کیفری، اهمیت می‌یابد. اراده پیش‌ازآنکه مجال قانونی برای طرح بیاید، جولانگاه طرح و بحث در علوم مختلف بوده است. امروزه، اراده بیش از هر چیز، از منظر طبی و تخصصی قابل بررسی است. دادگاه‌ها باید با استناد به نتایج بررسی‌های بالینی و پزشکی، نسبت به صدور حکم مقتضی در ارتباط با مسؤولیت کیفری یک شخص اقدام کنند. درحقیقت، هرچند اتخاذ تصمیم نهایی درخصوص مسؤولیت کیفری یک شخص با دادگاه است، اما این موضوع به معنای طریقت نظر تخصصی و کارشناسی نیست. در سیر تحول تاریخی در حقوق کیفری، بحث راجع به مسؤولیت کیفری افراد، صرف‌نظر از تفاوت‌های کمی و کیفی، همواره در مقاطع زمانی و مکانی مختلف مطرح بوده است. برای آنکه بتوان کسی را از حیث جزایی مسؤول دانست، صرف ارتکاب رفتار ممنوعه یا ترک وظایف قانونی کافی نیست. مرتکب باید از نظر اخلاقی و به‌طور طبیعی، قابل سرزنش باشد، لذا طرح عنوان مسؤولیت و نگرش به انسان به‌عنوان یک عامل اخلاقی^۱، منجر به این نظر شد که سرزنش و مجازات فقط در صورتی ممکن است که شخص، ارتکاب جرم را با آگاهی و توانمندی ارادی برگزیده باشد (کوهیان افضل و شکرچی‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۵-۲). بر این پایه می‌توان گفت مبنای سرزنش‌پذیری و استقرار مسؤولیت اخلاقی بزهکار، بهره‌مندی از توانمندی عقلانی و ارادی یا همان آگاهی و اراده است تا اینکه شخص را بر فهم رفتار مجرمانه خویش توانا سازد (خدادادی و خالدی، ۱۴۰۰: ۹۷-۸۳). در بحث ارکان مسؤولیت کیفری، ضرورت دارد تقصیر و عناصر اهلیت جزایی ادراک و اختیار مبتنی بر اراده آزاد در مرتکب جرم توسط مقام قضایی اثبات گردد. همچنین در تعیین و اجرای مجازات‌های تزییری، عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اراده مجرمانه، مانند انگیزه و

وضعیت ذهنی و روانی مجرم، موردتوجه محاکم کیفری قرار می‌گیرد. اندیشمندان و نظریه‌پردازان علوم جنایی، با انتقاد از رویکرد مادی صرف در حوزه مسؤولیت کیفری، بر ضرورت توجه به موازین اخلاقی و انسانی تأکید داشته‌اند. تحلیل گستره معنایی اراده، ارتباط تفکر با اراده و عمل، رابطه اراده با عنصر روانی، نقش آزادی اراده در مسؤولیت کیفری، عوامل مؤثر بر مسؤولیت کیفری و همچنین فلسفه چرایی توجه به عوامل مؤثر بر مسؤولیت کیفری، ازجمله مسائلی است که برای ابهام‌زدایی از مفهوم اراده در حقوق کیفری لازم است مورد بررسی قرار گیرد. بحث اراده، با آنکه اساساً مدخل ورود به حقوق کیفری است، متأسفانه در ادبیات حقوقی ایران، به‌درستی شناخته نشده و جز در قالب تعبیر یا برداشت‌های کلی، مفهوم روشن و صحیحی از آن به دست داده نشده است. همچنین به‌رغم تحولات قانونی شکل‌یافته در باب مسؤولیت کیفری، به‌نحو مذکور در بخش چهارم از کتاب اول قانون مجازات اسلامی (کلیات) و ضمن مواد ۱۴۰ تا ۱۵۹ تحت عنوان شرایط و موانع مسؤولیت کیفری، اهلیت کیفری بر محوریت آگاهی و به‌ویژه اراده، آن‌گونه که بایسته است، موردتوجه قانون‌گذار واقع نشده است. سؤالی که در این مقاله مطرح و بررسی شده، این است که اراده چه نقشی در تحقق مسؤولیت کیفری در مقایسه با سایر ارکان جرم دارد؟ به منظور بررسی سؤالی مورد اشاره، ابتدا مفهوم اراده، شرایط تأثیر اراده بر مسؤولیت کیفری و رفع آن، قلمرو اراده در رکن مادی و معنوی جرم، جایگاه اراده در عرصه اهلیت کیفری و ارکان اهلیت کیفری بررسی شده است.

۱- مفهوم اراده

اراده واژه‌ای عربی از ریشه «رَوَدَ» است. «این واژه، مصدر ثلاثی مزید و متعدی از باب افعال بوده که پس از اعلال قلب، به دلیل أجوف واوی بودن، به‌این‌صورت درآمده است. واژه اراده به معنای خواست، میل، رغبت، عزم و تصمیم آمده است» (Ba'albaki, 1999: 28) «همچنین اراده در معنای توانایی آگاهانه و اقدام مبتنی بر تدبّر و سنجش نیز آمده است. بسیاری از اندیشمندان، به‌ویژه فلاسفه، یادآور شده‌اند که هرچند معنای اراده در نگاه اول روشن و بدیهی است، اما تعریف آن به‌گونه‌ای که تصویری حقیقی از آن به‌دست آید،

^۱ - Moral Agent

مغزی ناشی از حوادث^۶ و دیگر حالت‌های مشابه را مؤثر بر زوال مسؤولیت کیفری، به‌طور تام یا نسبی، دانسته است (Law Reform Commission of Victoria) در قوانین و مقررات دیگر کشورها، از جمله دانمارک و ایتالیا، قانون‌گذار به‌صراحت به عقب‌ماندگی ذهنی^۷ اعتیاد به مواد دارویی خاص، اختلال ادراک در اثر افزایش میزان قند موجود در خون^۸ در بیماران دیابتی (ماده ۱۶ قانون مجازات دانمارک) و نیز وضعیت اشخاص کر و لال، در صورتی که از نظر ذهنی قادر به انجام یا درک موضوعی نباشند (ماده ۸۸ قانون مجازات ایتالیا) اشاره کرده است (موسوی مجاب، ۱۳۸۸: ۱۹۹).

در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، قانون‌گذار با به‌کاربردن اصطلاح اختلال روانی به‌جای جنون، فقدان اراده یا قوه تمیز - به اعتبار مراتب متغیر سطح توانمندی ارادی و تشخیصی - بیهوشی و مانند آن، مستی و بی‌ارادگی حاصل از مصرف مواد مخدر، روان‌گردان و مانند آن، تا حدی از مشکلات پیش روی نظام قضایی کاسته است، هرچند همچنان چالش‌های نظری و عملی بسیاری در حوزه مسؤولیت کیفری مطرح است.

«اراده به‌عنوان رکن اساسی اهلیت برای پذیرش مسؤولیت کیفری (پاسخ‌پذیری قانونی در قبال رفتار مجرمانه)، نیرویی نفسانی است که به‌واسطه آن، شخص می‌تواند سلباً یا ایجاباً، اقدام نماید. درحقیقت، ضرورت وجودی آن به‌عنوان عنصر بنیادین مشترک در تمامی جرایم - خواه عمدی و خواه غیرعمدی - تردیدناپذیر است و این موضوع، مورد اجماع حقوق‌دانان است» (محمدزکی، ۱۹۶۷: ۱۶۷-۱۶). از نظر تحلیلی، پیش‌شرط انتساب مسؤولیت کیفری، احراز اهلیت کیفری است و هرگونه خللی که به آن وارد شود، تحقق مسؤولیت کیفری را با مانع روبه‌رو می‌سازد.

به‌طورکلی، برای تحقق مسؤولیت کیفری، به دو عنصر اساسی نیاز است: نخست، توانایی ذهنی برای تمیز امور؛ دوم، آزادی اراده. هریک از این دو عنصر، شرط لازم - و نه کافی - برای تحقق مسؤولیت کیفری است و در صورت

دشوار است، لذا از این حیث به دیگر امور وجدانی شباهت دارد که جزئیات آن‌ها را به‌آسانی می‌توان دریافت، اما شناخت ماهیت کلی آن‌ها آسان نیست» (سلیمانی، ۱۳۸۴: ۵۶-۳۶). «در فلسفه اسلامی، اراده در غیرخداوند، به‌عنوان یکی از شؤن نفس مطرح است و برخی از فلاسفه آن را به‌طور صریح در زمره کیفیات نفسانی آورده‌اند.» کندی «اراده مخلوق را قوه‌ای نفسانی می‌داند که از انگیزه‌ای برمی‌خیزد و به عمل می‌گراید» (کندی، ۱۳۶۹: ۱۷۵).

فارابی، اراده را نیرویی درونی می‌داند که به میل و خواست انسان، فعلیت می‌بخشد؛ به‌تعبیر وی، «آنگاه که معقولات اولیه برای انسان حاصل می‌شود، طبعاً در انسان توجه و تمایل به بعضی از ادراکات و استنباطات عقلی یا کراهت نسبت به آن‌ها حاصل می‌شود. این تمایل به ادراکات، اراده نامیده می‌شود و اگر این تمایل نسبت به ادراکات حسی و خیالی نیز حاصل شود، با عنوان عام «اراده» نام‌گذاری می‌شود...» (فارابی، ۱۴۲۱: ۵۲).

به‌تبع رویکرد کلی قانون‌گذار کیفری به مفهوم اراده، در جریان رسیدگی‌های کیفری نیز معمولاً به برداشتی کلی از مدلول اراده بسنده می‌شود و گویی اراده یک مفهوم کلی، انتزاعی و بینی از تجزیه به عناصر مختلف در روند تکوین انگاشته می‌شود. این در حالی است که اراده جز بر پایه عناصر ضروری و مرتبط مفهوم نمی‌یابد.

۲- شرایط تأثیر اراده بر مسؤولیت کیفری و رفع آن

ضرورت اثبات ارادی بودن رفتار ارتكابی تا جایی است که در کشورهای تابع «نظام کامن‌لو»^۱ بر این مهم تأکید می‌شود که دادگاه مکلف است «بدون هیچ شک و شبهه معقولی»^۲ ثابت نماید که اقدام متهم به ارتكاب جرم، به‌شکل ارادی و با قصد ارتكاب رفتار مجرمانه بوده است. در این ارتباط، «کمیسیون اصلاح قوانین ویکتوریا»^۳ در انگلستان، هرگونه حرکت خودبه‌خودی (اتفاقی) از قبیل خواب‌گردی^۴، اغمای ناشی از بیماری دیابت^۵، کاهش گلوکز خون^۶، آسیب‌های

^۶ Hypoglycemia (Low Blood Glucose)

^۷ Post-Traumatic Concussion

^۸ Retard Mental

^۹ Deaf-Mute. Hyperglycemia (High Blood Glucose)

^۱ - Common Law System

^۲ - Beyond any Reasonable Doubt

^۳ - Law Reform Commission of Victoria

^۴ - Somnambulism

^۵ - Diabetic Coma

فقدان هریک، امکان توجه مسؤولیت به فرد منتفی است (Wharton, 2017: 51-53).

آگاهی و اراده آزاد، اساسی‌ترین شاخصه مسؤولیت کیفری است. در این بین، اراده به‌رغم اختلاف‌های فلسفی و نظری راجع به آن در خصوص مسأله جبریت^۱ و حتمیت علی (موجبت^۲)، اختیار و آزادی، از جایگاه ویژه‌ای در مباحث حقوق جنایی برخوردار است. این مسأله، آن‌گونه که بین^۳ - فیلسوف انگلیسی - بیان داشته، بحث بسیار مهمی است که اهمیت جدیدی در فلسفه معاصر یافته است، به‌گونه‌ای که می‌توان آن را کلید حل بسیاری از مشکلات فلسفی دانست. در این ارتباط جدال نظری میان فلاسفه در مورد سازواری یا ناسازواری نظام علی (جبرباوری) و توانمندی ارادی و نفسانی انسان را نباید از نظر دور داشت. از این موضوع در فلسفه اسلامی، به مسأله جبر و اختیار یاد می‌شود؛ مسأله‌ای که با مسائل اجتماعی و حقوقی پیوند عمیقی یافته است (شیروی و رستمیان، ۱۳۹۰: ۸۳-۴۳).

رویکرد مکاتب مختلف حقوق کیفری در خصوص مبنای مسؤولیت کیفری و در ارتباط با تأثیر اراده بر وقوع پدیده مجرمانه، سبب طرح مسؤولیت اخلاقی یا مسؤولیت اجتماعی، در دو موضع متفاوت با آثار گوناگون - در حوزه مباحث نظری و به‌تدریج، در قوانین کیفری - شده است. از منظر جرم‌شناختی نیز از همان ابتدا، جبریت جنایی، مطمح‌نظر بانیان مکتب تحقیقی بوده است.

«در نوشته‌ها و آثار حقوقی، کمتر به تحلیل اراده و تبیین عناصر و مؤلفه‌های آن پرداخته شده است. حقوق‌دانان، پیش‌از آنکه به بحث درباره مبنای، مبادی، مراحل شکل‌گیری اراده و نیز تشریح چگونگی ایراد خلل بر هریک از مؤلفه‌های آن بپردازند، اجمالاً به بررسی آثار اراده پرداخته‌اند» (ابراهیمی دینانی، ۱۳۹۳: ۳۲۲). در قلمرو حقوق جنایی، استعمال لفظ اراده چه در متون قانونی و چه در گفتمان حقوقی، فقط در قالب معنای لغوی و محدود آن، یعنی خواست و میل یا در قالب مفاهیم به‌ظاهر متشابهی همچون قصد و اختیار اساساً

پذیرفته نیست، زیرا بر معنای اصطلاحی و مفهوم حقوقی واژه مزبور به اعتبار عناصر و مؤلفه‌های لازم، آثار نظری و عملی بسیاری مترتب می‌شود. در مباحث حقوق کیفری عمومی و در تحلیل رکن روانی جرم، از تعلق اراده به عمل مجرمانه به‌عنوان «سوءنیت عام^۴» که قدر مشترک در عموم جرایم، خواه عمدی یا غیرعمدی است و از تعلق اراده به نتیجه مجرمانه به‌عنوان «سوءنیت خاص^۵»، در جرایم عمدی، تعبیر می‌شود، بی‌آنکه مفهوم واقعی و مؤلفه‌های اصلی اراده در حوزه «موانع مسؤولیت کیفری^۶» که از اهمیت خاصی برخوردارند، روشن گردد.

به‌نظر می‌رسد، بی‌توجهی به مفهوم اراده و نادیده‌گرفتن تأثیر اراده بر مسؤولیت کیفری سبب بروز ابهام‌های حقوقی و قانونی بسیاری می‌شود؛ اراده‌ای که مرکب از عناصر و مؤلفه‌های چندی است و هریک در ارتباط با موانع مسؤولیت کیفری مجال طرح می‌یابند.

فقدان اراده رافع مسؤولیت کیفری است. فقدان اراده در اشکال مختلف متصور است. یکی از اشکال فقدان اراده، اجبار است. «اجبار عبارت است از اینکه فردی دیگر را وادار کند بدون اراده و اختیار مبادرت به انجام عمل یا ترک عمل نماید. اجبار به دو شکل آشکار می‌شود: مادی و معنوی که مبنای هر دو حالت، اجبار ممکن است خارج از مرتکب یا از شخص وی ناشی بشود. در صورتی که اجبار ناشی از امری خارج از مرتکب باشد، اجبار خارجی یا بیرونی و در مقابل، وقتی اجبار ناشی از شخص مرتکب باشد، داخلی یا درونی گویند. اجبار مادی خارجی نیرویی است ناشی از طبیعت مثل، سیل، زلزله طوفان یا از ناحیه خود یا چیزی دیگری که بر جسم مجرم وارد شده و او را وادار می‌کند تا کاری را انجام دهد یا مانع آن بشود، مانند حمله گرگی به گله گوسفندان و فرار چوپان و گوسفندان به مزرعه دیگری و تخریب مزرعه و یا مثلاً وقوع سیل یا زلزله و... باعث عدم حضور سرباز در محل خدماتش شده باشد. در اجبار مادی درون، مرتکب جرم بی‌آنکه از نظر روانی مجبور باشد. از نظر جسمی در چنان

^۴- General Intention

^۵- Specific Intention

^۶- Auses de Non-Imputabilité

^۱- Fatalism

^۲- Determinism

^۳- Bain

بر آن قصاص مترتب نمی‌باشد، ولیکن دیه ثابت است، زیرا خون هیچ مسلمانی نباید هدر برود (خویی، ۱۳۹۱: ۲۹).

۳- قلمرو اراده در رکن مادی و معنوی جرم

در این قسمت به بررسی قلمرو اراده در رکن مادی و معنوی جرم پرداخته می‌شود.

۳-۱- قلمرو اراده در رکن مادی جرم

«برخی حقوق‌دانان، اراده را در ارتباط با رکن مادی جرم که ناظر بر تبلور فعل و انفعال ذهنی مرتکب در عالم خارج است، تحلیل می‌کنند. با توجه به اینکه رکن مادی هر جرم و مهم‌ترین عنصر آن، یعنی رفتار مجرمانه، تا زمانی که بر اراده متهم مبتنی نباشد، برقراری ارتباط بین رفتار ارتكابی و مرتکب ممکن نخواهد بود» (صادقی و تنهایی، ۱۳۹۶: ۷۲-۳۹)، چون ملاک انتساب رفتار مجرمانه به متهم، وجود پیشینی اراده و ابتنای رفتار بر پایه آن است؛ به‌دیگر سخن، رفتار غیرارادی، مصداق رفتار مجرمانه نخواهد بود، در نتیجه با انتفای وصف ارادی برای رفتار ارتكابی، امکان انتساب رفتار به مرتکب و مسؤول دانستن وی منتفی است (صادقی و تنهایی، ۱۳۹۶: ۷۲-۳۹). «در همین خصوص، پروفیسور گلانویل ویلیامز^۱ بین شرایط اراده و قصد جنایی تفاوت قائل است و اراده را عنصری از رکن مادی جرم می‌داند، هرچند در همان زمان، اراده را قصد مجرمانه و در نتیجه مرتبط با رکن روانی جرم می‌انگارد. این دیدگاه که قلمرو اراده را ابتدا در رکن مادی جرم مطرح می‌کند هم‌زمان آن را به‌عنوان قصد مجرمانه و در ارتباط با رکن روانی جرم مورد بحث قرار می‌دهد» (Williams, 2011: 11).

۳-۲- قلمرو اراده در رکن روانی جرم

از آنجاکه از منظر قانونی برای تحقق جرم، صرف ارتكاب رفتار مادی کافی نیست و برقراری رابطه نفسانی بین مرتکب و مؤلفه‌های مادی جرم نیز ضروری است و درعین حال بنیان رکن روانی جرم برپایه اراده و آگاهی استقرار یافته است، لذا قلمرو اراده در رکن روانی جرم بررسی می‌شود.

شرایطی قرار می‌گیرد که مجبور به ارتكاب جرم می‌گردد، ولی این اجبار مادی با منشأ درونی گاه با اجبار روانی خلط می‌شود» (اردبیلی، ۱۳۹۵: ۹۳/۲).

از منظر فقهی، یکی از این احکام ثانویه که در طول حکم اولیه قرار دارد، اکراه است که حکم اولی آن این است که در شرایط عادی و معمولی، شخص را مسؤول اعمال خود می‌داند و با اعمال گناه یا جرم بایستی مورد عقاب و مؤاخذه قرار گیرد، اما شارع مقدس با در نظر گرفتن حالت دیگری در شرایط خاص و استثنایی مسؤولیت کیفری و کیفر مخالفت با حکم اولی شخص مکروه را رفع می‌نماید (انصاری، ۱۴۱۹: ۱۱۲). این احکام که دلیل آن‌ها به‌طور صریح در قرآن و سنت بیان شده است، در طول زمان به احکام ثانویه تعبیر شده‌اند که باعث در نظر گرفته نشدن حکم اولی می‌شوند، در نتیجه، در فقه امامیه برای مشروعیت اکراه به احکام متعددی متوسل شده‌اند تا در صورت وقوع آن مکروه از عقوبت و مؤاخذه برمی‌گردد (حکیم، ۱۳۷۸: ۲۷).

«از دیدگاه مشهور فقهای اسلامی، اصل، تأثیر اکراه در کلیه جرایم و سقوط مجازات و نهایتاً معافیت اکراه‌شونده است، اما جرم قتل به‌واسطه شدت قبح آن و اصرار و تأکید شارع در اجتناب از ارتكاب آن موجب استثنای این جرم از جریان اصل اکراه شده است» (موسوی خمینی، ۱۳۶۹: ۲۷۸؛ جبعی عاملی، ۱۳۹۱: ۷۵۷). یکی از مستندات این گروه، سوره انعام آیه ۲۵۲ است که فرموده شده: «نکشید نفسی را که خدا حرام کرده است، مگر به‌حق و کسی که مظلوم کشته شود، برای ولی او قدرتی قرار دادیم، پس در کشتن زیاده‌روی نکنند.»

در مقابل نظر مشهور فقها، یکی از مراجع تقلید عصر ما در کتاب تکمله المنهاج، با استناد به‌قاعده تزاحم معتقد است که: «مکروه می‌تواند مرتکب قتل گردد، چون کسی که او را مکروه به کشتن دیگری می‌کند، او را به قتل تهدید کرده که اگر این عمل را انجام ندهد، در مقابل جان اکراه‌شونده را خواهد گرفت. در این حال، امر در اینجا بین ارتكاب فعل حرام و ترک واجب دایر است و چون مرجح در مقام وجود ندارد، راهی غیر از التزام به تخیر نیست و به دلیل اینکه ظلم و عدوانی نیست،

^۱ - Glanville Williams

و معاقب آن در صورت ارتکاب جرم، انسان زنده بالغ عاقلی است که در عین حال، واجد قوه تشخیص و نیز اراده باشد.^۱

اصولاً بین مرحله قابلیت یا اهلیت شخص برای «تحمل» تبعات جزایی رفتار مجرمانه و نیز مرحله «تحمل» تبعات رفتار یاد شده که ناظر بر «التزام» شخص به قبول تبعات یاد شده است و از آن به مسؤولیت کیفری تعبیر می‌شود، باید قائل به تفکیک شد.

از نظر اصطلاحی و در عرصه حقوق کیفری، اهلیت کیفری به مجموع عوامل روانی لازم که امکان انتساب رفتار مجرمانه را به فاعل آن فراهم می‌سازد، اطلاق می‌شود؛ به‌دیگرسخن، اهلیت کیفری، اهلیت «اسناد» است، البته به‌زعم برخی حقوق‌دانان، با اعتقاد به ارتباط مرحله تحمل و تحمیل، مسؤولیت یا در مفهوم مجرد (انتزاعی) است یا در مفهوم عینی (واقعی)؛ مراد از مفهوم اول، صلاحیت و قابلیت شخص برای تحمل تبعات رفتار مجرمانه است و مسؤولیت در این معنی، ناظر بر «صفتی خاص در شخص یا حالتی ویژه» است، خواه در نتیجه آن، بعدها از سوی فرد، رفتاری واقع شود که برای وی مسؤولیت‌زا باشد یا نباشد، اما مراد از مفهوم دوم، تحمیل تبعات رفتار مجرمانه بر شخص است. مسؤولیت در این معنا، مجرد صفت یا حالت قائم به شخص نیست، بلکه موضوعی متمایز و ناظر بر تحمیل قهری تبعات جزایی است.

البته مفهوم دوم، مفهوم اول را به حکم لزوم عقلی دربر می‌گیرد یا آن را مفروض می‌داند، زیرا تحمیل تبعات رفتار مجرمانه بر شخص جز در حالتی که اهلیت این تحمل را نداشته باشد، قابل تصور نیست (امام، ۱۹۹۱: ۸۵-۸۴).

به‌نظر می‌رسد، با توجه به اینکه جلوه و جنبه بالقوه مسؤولیت کیفری، همواره در ضمن جنبه بالفعل آن مطرح است و درواقع آنگاه می‌توان قائل به جنبه بالفعل مسؤولیت کیفری شد که پیش‌تر، جنبه بالقوه - یعنی مرتبه اعلی نسبت به مرتبه ادنی، «لا به شرط» - موجود باشد، لذا ترجیح داده می‌شود اصطلاح اهلیت کیفری مورد استفاده واقع شود، زیرا

دادرسی باید با درنظر داشتن حالت نفسانی شکل‌یافته در وجود شخص، در جریان ارتکاب رفتار مادی وی را از حیث روانی، مسؤول تلقی کند (حومد، ۱۹۸۵: ۱۲). به‌طور کلی، فرض بر این است که قصد و خطای ذهنی، قدرت بر جهت‌دهی اراده به‌سوی رکن مادی جرم است.

قوانین کیفری، عمدتاً به تعریف رکن روانی جرم (فعل انفعال ذهنی مرتکب) نمی‌پردازند، بلکه ارائه تعریف را به حقوق‌دانان می‌سپارند (آزمایش، ۱۳۹۶: ۲۵).

اساساً انسان آنگاه که در وجود خود احساس نیاز کند، راه‌های مختلف رفع نیاز را بررسی می‌نماید و با سنجش برآیند مضار و منافع، در نهایت عزم خویش را در قالب خواست درونی، جزم می‌کند و سپس خواست موردنظر را به مرحله انجام و اجرا می‌رساند. روند یادشده، مبین توالی حالت‌های ذهنی پیچیده در اندیشه یک شخص است که در پایان در قالب وقوع رفتار خاصی تجسم می‌یابد؛ به‌دیگرسخن، تحلیل روانی اراده و تبیین روند شکل‌گیری آن، اصولاً در ارتباط با قوای ذهنی است.

از مطالب پیش‌گفته، می‌توان دریافت که اراده به‌رغم اختلاف‌نظرها و چالش‌های بسیار، محور اصلی و اساسی مباحث حقوق کیفری و به‌ویژه مسؤولیت کیفری است؛ براین‌پایه، از رکنیت اراده در مسؤولیت کیفری سخن می‌رود (نوبهار و خط شب، ۱۳۹۶: ۱۱۳-۸۷).

۴- جایگاه اراده در عرصه اهلیت کیفری

در ادبیات حقوق کیفری، پیش‌شرط اساسی مسؤولیت کیفری، که به التزام شخص به تحمل نتایج رفتار مجرمانه تعبیر می‌شود، اهلیت کیفری است، لذا آنگاه شخص در قبال رفتار مجرمانه خود مسؤولیت کیفری خواهد داشت که اهلیت و توانایی تحمل نتایج این رفتار را داشته باشد. این اهلیت، اصولاً بر پایه نیروی علم (آگاهی) و نیز اراده آزاد استوار است (العوجی، ۱۹۸۵: ۱۲).

اهلیت کیفری، مجموعه صفاتی است که به‌منظور انتساب جرم به انسان، به‌عنوان مرتکب آن و مسؤول دانستن او، قبل از تحمیل کیفر، باید احراز شود. بنابراین مخاطب حکم جزایی

^۱ - از منظر فقهی، به مجموع اوصاف یادشده، یعنی عقل، بلوغ، اراده و قصد - شرایط عامه تکلیف می‌گویند.

^۲ - Imputability/ Imputabilité

با این مقدمه، دو رکن پایه در اهلیت کیفری در ارتباط با جرم عمدی و غیرعمدی - بررسی می‌شود.

۵-۱- آگاهی

شرط اول توجه مسؤولیت کیفری، متعاقب احراز اهلیت کیفری، توانایی شخص بر فهم ماهیت رفتار خویش و ارزیابی نتایج مترتب بر آن است. آگاهی به معنی توقع و به طریق اولی، یقین مجرم به ارتکاب رفتار مجرمانه است. آگاهی، حالت نفسانی در روان آدمی است که جوهره آن خرد و هوشمندی نسبت به جوهره «واقعیت» شکل‌دهنده رکن مادی است. این حالت، برای انسان و در نتیجه فعل و انفعال‌های ذهنی متعدد و مرتبط حاصل می‌شود (بهنام، ۱۹۸۷: ۱۱-۱۲). آگاهی به منزله پیوند بین دو واقعه است که یکی در زمان حاضر و دیگری در آینده شکل می‌پذیرد؛ به‌دیگرسخن، آگاهی ارتباط بین دو واقعه است که یکی (رفتار) در زمان حال واقع می‌شود و دیگری (نتیجه) در زمان آینده رخ می‌دهد (عبدالمعزم، ۲۰۰۱: ۱۵۰-۱۴۹).

امروزه، در گفتمان قانونی، قضایی و حقوقی کشورهای غربی، واژه «اعتقاد» به‌جای واژه آگاهی، به‌مثابه جایگزین در تعریف بسیاری از جرایم مطرح می‌شود؛ دلیل آن نیز مقبولیت قانونی مفهوم اعتقاد، در راستای اهداف قانون‌گذار است، این در حالی است که آگاهی فاقد این ویژگی است.

شاید بتوان آگاهی را به «دانستن» و اعتقاد را به «باورداشتن» تعبیر نمود. دانستن، تنها معطوف به آگاهی از نفس عمل ارتكابی است؛ حال آنکه باورداشتن، ناظر بر تحقق اقتناع و وجود دلیل منطقی از سوی مرتکب است. باورمندی به ممنوعیت یا حرمت رفتار و نیز تبعات و آسیب‌های آتی و احتمالی آن، در هر صورت مفهومی متمایز از آگاهی است. در مثال فروش مواد مخدر به طفل یا نوجوان زیر حد نصاب سنی قانونی از سوی یک فروشنده، آگاهی از ممنوعیت قانونی (علم حکمی) و باور اینکه خریدار به حد نصاب سنی مقرر و قانونی نرسیده، در کنار هم مجال طرح می‌یابند. در جریان یک واقعه جنسی که مردی با زنی رابطه جنسی برقرار می‌کند، آگاهی به نفس رابطه جنسی (دانستن) و اعتقاد به ممنوعیت یا حرمت رفتار (باور) باید احراز شود. همین‌گونه در

درهرشکل، محوریت بحث مسؤولیت کیفری با توجه به تعیین جایگاه اراده در آن، مربوط به اهلیت کیفری است. همچنانکه آنگاه امکان تحلیل محتوای ذهنی شخص در قالب رکن روانی در عموم جرایم وجود دارد که پیش‌تر، ظرفیت یا اهلیت قانونی و متعارف احراز شده باشد.

۵- ارکان اهلیت کیفری

اهلیت کیفری بر مبنای دو رکن اساسی، یعنی «آگاهی و اراده» استوار است و هریک از این دو رکن دارای مؤلفه‌ها، آثار و مراتب خاص است. لازم به یادآوری است در عرصه حقوق کیفری از دو شرط اساسی توجه مسؤولیت کیفری، در قالب دو رکن آگاهی و اراده، به‌عنوان ارکان بنیادین اهلیت کیفری، یاد می‌شود (عالیه، ۱۹۹۶: ۲۷۷). درحقیقت، پیش‌شرط اساسی تحقق مسؤولیت کیفری، احراز اهلیت کیفری است که خود، بر دو محور آگاهی و اراده استوار است.

پیش از تشریح ارکان اهلیت کیفری، بیان این مطلب ضروری است که ارزیابی اهلیت کیفری از حیث وجود و عدم، منوط به سنجش طبی، روان‌شناختی و اجتماعی است (خضر، ۱۹۷۱: ۴۷۹-۴۳۵). گراماتیکا از بنیان مکتب دفاع اجتماعی، اهلیت را مجموعه‌ای از شرایط زیست‌شناختی و روان‌شناختی می‌داند که از منظر قانونی، صدور حکم قضایی بر انسان را به‌عنوان یک فرد هنجارشکن ممکن می‌سازد. وی در مکتب دفاع اجتماعی، دیدگاه خود را در زمینه لزوم مرزبندی علمی اهلیت کیفری، با انتقاد از مرزبندی قانونی آن آشکار می‌سازد. وی در این زمینه اظهار می‌دارد: «قانون‌گذار حق ندارد با پندار موهوم خود، اهلیت کیفری را حسب ماده‌ای از مواد قانونی طرح یا نفی نماید، زیرا اهلیت کیفری پدیده‌ای قانونی نیست، و همانا پدیده‌ای از پدیده‌های طبیعی بشری است.» براین اساس، وی از رویه دنبال‌شده در اغلب قوانین موضوعه کیفری انتقاد می‌کند و معتقد است پایبندی به مرزبندی قانونی دامنه اهلیت کیفری، عدم امکان سنجش درست حالت خطرناک و در پیش‌گرفتن تدابیر احتیاطی، احترازی مقتضی را در پی دارد. بنابراین اظهارنظر تخصصی در مورد میزان اهلیت کیفری یک شخص ضعیف‌العقل از حیث درجه اهلیت (کامل، جزئی یا مفقود) به چالش کشیده می‌شود (Gramatica, 2014: 72).

رکن دوم اهلیت جنایی (اراده) و مؤلفه‌های اساسی آن می‌پردازیم.

۵-۲- اراده و عناصر مقوم آن

از منظر حقوقی، به‌ویژه در عرصه حقوق کیفری، صرف آگاهی از ماهیت رفتار ارتكابی، برای مسؤول دانستن مرتکب کفایت نمی‌کند، لذا ممکن است انسان نسبت به رفتار خود آگاه باشد، اما ضرورتاً نسبت به آن مُرید نباشد.

اراده، پدیده‌ای نفسانی و نیرویی است که انسان به مدد آن در مقام کنترل رفتار و تأثیر بر محیط اطراف برمی‌آید. اراده، از حیث مفهومی ناظر بر عملکرد نفسانی دُو بُعدی است: ۱- بعد نفسانی داخلی (فعل و انفعال نفسانی)؛ ۲- بعد مادی و خارجی (تبلور مادی). باین توصیف، تصور اراده بدون دو بعد پیش‌گفته، ممکن نیست؛ به این اعتبار، حرکت عضو انسان هم جنبه نفسانی و هم جنبه مادی دارد، در ضمن، اراده بدون آگاهی معنا نمی‌یابد؛ به‌واقع، اراده مرحله تالی آگاهی است. «در آثار حقوقی، کمتر به تبیین و تحلیل اراده پرداخته شده است. همه از اراده و آثار آن سخن می‌گویند، اما گویی بحث درباره چگونگی شدن آن را بی‌پنده می‌پندارند؛ این در حالی است که تشریح بحث مسؤولیت و نیز حدود آن، جز در پرتو تحلیل اراده و آثار آن ممکن نیست» (نجیب حسنی، ۱۹۷۴: ۶۶-۶۵).

این مورد که ناظر بر قبول نتیجه رفتار ارتكابی است، با اقدام راننده‌ای که در میانه شب، با نادیده‌انگاری چراغ‌قرمز، با خودرو حرکت می‌کند و به‌صورت اتفاقی و از رهگذر بی‌احتیاطی با رهگذری برخورد می‌کند، متفاوت است. در مجموع، بی‌پروایی مبتنی بر پیش‌بینی خطر و نتیجه، با بی‌پروایی ساده یا فاقد وصف یادشده، متفاوت است. این مهم، در مقررات کیفری ایران مغفول مانده است.

«حقوق دانان، اصولاً با عنایت به دیدگاه‌های فلسفی و نیز روان‌شناختی، بنا به اقتضای بحث، با تعابیر نسبتاً نزدیک و متشابهی، مراحل چندگانه‌ای را در خصوص شکل‌گیری اراده و عمل ارادی نام می‌برند. قدر متقین، حقوق دانان با تحلیل روان‌شناختی اراده، مراحل چهارگانه‌ای را در فرایند تکوین

خرید یا فروش مال مسروقه، با علم به ماهیت رفتار و اعتقاد به مسروقه‌بودن مال، این بحث مطرح است (Shute & Simester, 2002: 38).

در جرایم غیرعمدی، خطای غیرعمدی، جوهره رکن روانی آن‌ها را تشکیل می‌دهد. اراده در جرایم غیرعمدی، تنها بر نفس عمل ارتكابی فاقد وصف نوعاً آسیب‌زننده تعلق می‌گیرد، ضمن آنکه، برخلاف جرم عمدی و در مورد قصد جنایی، آگاهی بزهدار به عناصر مادی جرم و باور تحقق آن‌ها، فراگیر و شامل نیست. به عبارت دیگر، چارچوب آگاهی و اراده در خطای غیرعمدی، محدود به برخی عناصر مادی است. در خطای غیرعمدی، مجرم در هنگام عمل به وظایف مربوط در حدود مقرر، به درستی اقدام نمی‌کند و درجایی که به حکم قانون می‌باید حذر نماید، حذر نمی‌کند، البته این موضوع مشروط به آن است که تحقق نتیجه مجرمانه را از رهگذر فعل و اقدام خود اراده نکرده باشد (نجیب حسنی، ۱۹۷۴: ۵۰۵-۵۰۳). پس در جرایم غیرعمدی نمی‌توان گفت مرتکب توقع حصول یا تحقق جرم را در نظر داشته و برای بروز یا شکل‌گیری آن تلاش نموده است.^۱

نقطه مقابل آگاهی، ناآگاهی (فقدان العلم یا جهل در دو صورت ساده و مرکب) است که در صورت عدم امکان تحصیل علم برای مرتکب (عادتاً) یا در فرض تعدّر شرعی، مجازات با مانع مواجه خواهد شد.^۲ پس از این مختصر، در مبحث بعد به تشریح

^۱ - مرزبندی محدوده اندیشه قصد احتمالی و تمایز دامنه آن از قصد غیراحتمالی، محل اختلاف حقوقی است. برپایه نظریه احتمال یا به تعبیری Theory of Possibility، قصد احتمالی یا محتمل، در صورتی است که مجرم در هنگام ارتکاب رفتار مجرمانه، احتمال حدوث نتیجه مجرمانه را بر عدم حدوث آن یا تساوی در توقع حدوث هر دو احتمال (وقوع و عدم وقوع) ترجیح دهد، اما چنانچه احتمال عدم حدوث نتیجه مجرمانه را بر احتمال وقوع آن ترجیح دهد، مشمول حکم خطای غیرعمدی است. بر پایه نظریه قبول (Theory of Acceptance)، مجرم هنگام ارتکاب رفتار مجرمانه، امکان حدوث نتیجه مجرمانه را توقع نموده است و باهدف به آن چشم دوخته است. اثر بحث در جرم غیرعمدی، درجایی است که برای نمونه راننده‌ای با بی‌پروایی (Recklessness) در میانه روز چراغ‌قرمز را پشت سر می‌نهد، حال آنکه، شاهد جمعیت عابر پیاده است.

^۲ - براساس ماده ۱۵۵ ق.م.ا: «جهل به حکم، مانع از مجازات نیست، مگر اینکه تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد یا جهل به حکم، شرعاً عذر محسوب شود...»

اراده کلی تجزیه‌ناپذیری نیست، بلکه رکنی است که حاوی مؤلفه‌های اساسی مرتبط با مسؤولیت کیفری و موانع مربوط است. قدر متیقن، با تحلیل نفسانی اراده، مراحل چهارگانه‌ای، به شرح پیش گفته، در فرایند تکوین رفتار ارادی مطرح است. عواملی که اراده را مخدوش می‌کنند، ممکن است در یکی از مراحل تکوین فعل ارادی واقع شوند، چنانچه این عوامل که اصولاً در باب موانع تحقق مسؤولیت کیفری از آن‌ها یاد می‌شود^۲، بر تصور واقع شوند و بر آن تأثیر نهند، سبب زوال یا ایراد خدشه بر آن می‌شوند، همچنانکه اگر در مرحله دوم (تدبیر) واقع شوند، سبب فساد یا زوال قوه تشخیص می‌شوند و اگر خواست درونی را تحت تأثیر قرار دهند، آن را از مقومات سالم فارغ می‌سازند و چنانچه بر مرحله اجرایی یا تنفیذ تأثیر بگذارند، آن را از انگیزه‌های مربوط جدا کرده یا انگیزه‌های وهمی یا ناصوابی را به آن می‌افزایند. در این مرحله، تمایل به انجام عمل و رغبت به دستیابی به اهداف آن در معرض اختلال یا زوال قرار می‌گیرد. اراده جازم و معتبر، اراده‌ای است که مراحل چهارگانه یادشده را بدون تأثیر عوامل خدشه‌آمیز پشت سر نهاده باشد تا از منظر قانونی آثاری بر آن تعلق گیرد. در روند تکوین رفتار ارادی به هم پیوستگی، تأثیر و تأثر نظام‌مندی مشهود است. ایراد خلل به هر مرحله از مراحل مذکور، رفتار ارادی را از معنای واقعی خود دور می‌کند. بر همین پایه، ایراد خدشه بر مؤلفه یا مؤلفه‌هایی از اراده، زوال تام یا نسبی مسؤولیت کیفری را در پی خواهد داشت.

در باب موانع تحقق مسؤولیت کیفری، گاه از حالاتی بحث می‌شود که در نتیجه آن‌ها اراده اعتبار خود را از دست می‌دهد، بی‌آنکه قانون‌گذار در این زمینه اشاره‌ای به آن‌ها داشته باشد. رویکرد حصری قانون‌گذار در خصوص موانع مسؤولیت کیفری، به‌رغم سادگی و سهولت تطبیق حالت خاص با نص قانونی مرتبط، با این اشکال روبه‌روست که امکان اتخاذ تصمیم قضایی مقتضی بر مبنای واقعیت‌های علمی و عینی را تا حد بسیاری محدود می‌کند. مفهوم اراده و تشخیص وجود آن،

عمل ارادی نام می‌برند» (السَّهْوَرِي، ۱۹۶۶: ۱۵۰-۱۴۹)؛ «نخستین مرحله یا مؤلفه، تصور (ادراک) که گاه از آن به قوه تمییز نیز تعبیر می‌شود، به توانایی خاصی در شخص اطلاق می‌شود که تشخیص ماهیت رفتار ارتكابی و تبعات جزایی و آثار اجتماعی آن را برای مرتکب ممکن می‌سازد» (الزَّالْمِي، ۱۹۸۱: ۶۱). پس از مرحله ادراک، نوبت به مرحله تدبیر یا اندیشیدن می‌رسد.

در این مرحله، شخص به ارزیابی کار خود می‌پردازد و دواعی گوناگون را با هم مقایسه می‌کند تا سرانجام یکی را مهم‌تر و قاطع‌تر می‌یابد و برای رسیدن به آن هدف، اقدام می‌کند. سنجش سود و زیان کارها و اندیشیدن درباره نتایج اقتصادی و اخلاقی آن‌ها، مقدمه‌گزینه‌های نهایی داعی برتر یا هدفی است که سرانجام شخص را راضی یا منصرف از انجام کاری می‌کند. پس از مرحله تدبیر در مسیر تکوین رفتار ارادی، خواست درونی^۱ مطرح است. این مرحله ناظر بر عزم شخص بر تحقق امری است (قرار). سه مرحله پیش‌گفته مبادی نظری تکوین رفتار ارادی است، اما در مرحله چهارم، یعنی تنفیذ یا اجرا، عمل خارجی بروز و ظهور می‌یابد. اهمیت این مرحله تا جایی است که باید گفت با فقدان آن، اراده تنها در قالب نیت باقی می‌ماند.

با ترکیب مراحل چهارگانه یادشده، چنانچه اراده در هر مرحله بدون تأثیر عوامل خدشه‌آمیز شکل یابد، اراده معتبر و جازم معنا یافته و آثار قانونی بر آن بار می‌شود. درحقیقت، اراده، در اثر ترکیب اتحادی هر چهار عنصر پیش‌گفته معنا می‌یابد.

۶- اثر ایراد خدشه بر مؤلفه‌های اراده

از آنجاکه اراده، جوهره رفتار ارتكابی است، سنگ بنای هر جرمی، اعم از عمدی و غیرعمدی است. بر این اساس، باید از اراده به‌عنوان شالوده اصلی اهلیت کیفری و در نتیجه، ستون بنیادین استقرار مسؤولیت کیفری یاد کرد. نقش محوری اراده در اهلیت کیفری، تردیدناپذیر است. اراده جازم و معتبر، نتیجه توالی و تعاقب مراحل یا عناصری است که در مجموع، از قوای روحی - روانی سالم ناشی می‌شود.

^۲ - عواملی همچون جنون، صغر سن، اکراه یا اجبار، مستی و مسمومیت ناشی از مصرف مواد مخدر در این ارتباط مطرح‌اند.

^۱ - Internal Willing

پیش از آنکه واجد وصف قانونی باشد، برخوردار از وصف طبی و تخصصی است.

تازمانی که بنیان مسؤولیت کیفری اراده آزاد است، هر سببی که در نتیجه آن، این علم حاصل شود که اراده به واسطه آن مخدوش شده است، باید منتهی به قبول مانع در مسیر تحقق مسؤولیت کیفری شود. انحصار در مصداق، امکان انطباق نص قانونی با حالات فعلی یا وقایع حادث در آینده را که از سوی قانون‌گذار مورد پیش‌بینی قرار نگرفته است، با مانع مواجه می‌کند، هرچند حالات یا وقایع یادشده، مطلقاً نتیجه همان اسباب و مسببات مصرح قانونی را اقتضا کند. در این ارتباط از حالات نزدیک به جنون می‌توان یاد کرد. اختلال روانی یا نابهنجاری روانی مؤثر بر اراده، حتی در اثر بیماری‌های ژنتیکی و نشانگان بالینی^۱ قابل تشخیص همچون داون - و نیز نقیصه‌های عقلی (حالت عته^۲ و بلاهت)، عقب‌ماندگی ذهنی و رشدنایافتگی عقلی، بر قوه تمیز اشخاص تأثیرگذارند، اگرچه حالات یادشده، جنون به معنای اخص^۳ کلمه تشخیص داده نشوند.^۴

مستی ناشی از استعمال مواد مسکر و نشنگی ناشی از استعمال مواد مخدر سنتی یا صنعتی، زوال نیروی آگاهی و ایراد خلل به اراده را در پی دارد. این حالات از حیث اثر متشابه‌اند و مایع یا جامدبودن مواد مؤثر بر بروز چنین وضعیت‌هایی، تأثیری بر اصل موضوع ندارند.

از نظر علمی ثابت‌شده است که آثار ناشی از استعمال ماده مخدر یا روان‌گردان، به مراتب اقوی و اشد از آثار ناشی از استعمال مواد مسکر است.^۴

«در خصوص اکراه نیز می‌توان گفت، اگرچه مکره نسبت به ماهیت و تبعات رفتار ارتكابی خود واجد درک (مُدرك) است و پس از سنجش برآیند مضار و منافع احتمالی (تدبیر) اقدام می‌کند، اما این اقدام، مبتنی بر خواست درونی و میل حقیقی وی نیست و در واقع، ملزم به انجام و اجرای آن گردیده است، لذا خواست درونی مکره، مخدوش و تنفیذ او با اشکال روبه‌روست. به نظر می‌رسد در فرض قتل إلجائی (اکراه در حد إلجاء)، در عدم امکان قصاص مکره نباید تردید کرد» (الموسوی الخوئی، ۱۹۷۶، ۱۳/۲).

در حوزه مسؤولیت کیفری اطفال نیز توجه به نقش محوری اراده ضروری است. این حقیقت که رشد عقلی و توانمندی ادراکی جوهره مسؤولیت کیفری است، باید در قانون توجه قرار گیرد. در باب صغیر سن، ادراک به‌عنوان مؤلفه اصلی اراده، از جایگاه ویژه‌ای بهره‌مند است، همچنانکه در صورت کیر سن، نباید ضعف قوه ادراکی نادیده انگاشته شود. در هر شکل، ایراد خلل به درک یا ضعف آن، به‌ویژه در مراحل اولیه رشد انسان، تحقق مسؤولیت کیفری را با مانع مواجه می‌کند. چالش‌های نظری، قانونی، قضایی و نیز فشارهای بین‌المللی در خصوص مسؤولیت کیفری صغار، ضرورت تعدیل و تغییر حد نصاب سن مسؤولیت کیفری را ایجاب می‌کند. این مهم، در پرتو گفتمان فقه مقاصدی و پویا و نیز با لحاظ واقعیت‌های موجود، قابل حصول است. این مهم که قانون‌گذار در کنار قواعد و مسائل شکلی و نصاب هیجده‌سالگی، باید مسائل ماهوی و مسؤولیت کیفری را نیز بر اساس همین شاخص سنی بین‌المللی لحاظ نماید، دست‌کم دادرسان را از محذور عملی و فشارهای بین‌المللی در زمینه تحمیل مجازات بر مرتکبان زیر سن هیجده‌سال تمام می‌رهاند.

نتیجه‌گیری

قانونگذار در قانون مجازات ۱۳۹۲ تغییراتی در نقش اراده در تحقق مسؤولیت کیفری ایجاد کرده است و آن این است که پیش از آن صرفاً در صورتی مستی رافع مسؤولیت کیفری نیست که به قصد ارتكاب جرم باشد، در صورتی که در ماده جدید مرتکب بدون قصد، اما علم به اینکه در نتیجه مستی مرتکب جرم می‌شود، خود را مست کند، مرتکب جرم شود،

^۱ - Syndrome

^۲ - «عته»، کم‌خردی و اختلال در روان آدمی، غیر از جنون است، به‌گونه‌ای که کلام فرد درهم آمیخته می‌شود. گاه کلام وی، شبیه افراد عاقل می‌شود و گاه شبیه افراد مجنون، البته دامنه اختلال از شخصی به شخص دیگر تفاوت می‌یابد. ادراک و تمیز در اثر حالت یادشده، به صبی ممیز ملحق می‌شود و برای شخص معتوه، اهلیت ناقصه ثابت می‌شود.

^۳ - تأکید قانون‌گذار بر اختلال روانی مؤثر بر زوال اراده یا «قوه تمیز» و مجنون‌انگاشتن مرتکب و در نتیجه زوال مسؤولیت کیفری - در ماده ۱۴۹ ق.م.ا. - درخور توجه است.

^۴ - قانون‌گذار، مستی و بی‌ارادگی ناشی از مصرف مسکرات، مواد مخدر و روان‌گردان را حسب شرایطی، مانع مجازات دانسته است (ماده ۱۵۴ ق.م.ا.).

کیفری، در جهت حل مسائل فعلی، گامی اساسی بردارد. آنچه باید مدنظر قانون‌گذار قرار می‌گرفت و متأسفانه مغفول واقع شده است، نقش اراده در عوامل رافع مسؤولیت کیفری است که بسیار کم‌رنگ در قانون نمود پیدا کرده است، بدین توضیح که در برخی مواد قانونی رفع مسؤولیت جزایی قانون‌گذار سلب این مسؤولیت را به عهده مرتکب قرار داده و این موضوع به‌دور از انصاف است، چراکه مرتکب اغلب اوقات فاقد ابزارهای لازم تحقیق کارگامان حرفه‌ای پلیس دسترسی به اطلاعات افراد مظنون جهت بری‌نمودن خود از اتهام است، نتیجه اینکه اراده جایی در عنصر معنوی ندارد و بحث راجع به مبانی مسؤولیت جزایی و اینکه پل ارتباطی بین عمل شخص و کیفر مسؤولیت جزایی است.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی و عربی

- ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۹۳). قواعد کلی فلسفی در فلسفه اسلامی. جلد اول، چاپ دوم، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۵). حقوق جزایی عمومی. جلد دوم، چاپ ششم، تهران: نشر میزان.

باز هم نمی‌توان به مستی استناد کرد و مرتکب به مجازات هر دو جرم شرب خمر و مجازات ارتکاب‌یافته محکوم خواهد شد، اگر باور بر این است که شخص مست فاقد اختیار و اراده است، چگونه می‌توان شخص را که اراده و اختیاری ندارد با علم سابق مجازات کرد؟ با این اوصاف یکی از پیشنهادات نگارنده این است که باید در مورد این ابهام که شخص مست را چگونه می‌توان هم بدون قصد و اراده تلقی کرد و هم او را به علم و قصد سابق مجازات کرد، بحث کرد و یک دلیل منطقی برای رفع این ابهام در نظر گرفت، با رفع این ابهام راحت‌تر با مجازات و یا عدم مجازات شخص مست می‌توان کنار آمد.

با توجه به عوامل بسیار متعدد و متنوع تأثیرگذار بر اراده و وضعیت روانی افراد که به‌گونه‌ای بی‌شمار مطرح‌اند، عدم انحصار دادرسان در قالب عناوین خاص قانونی، سبب می‌شود که با تشخیص حالات ناظر بر اختلال اراده افراد از سوی متخصصان متعاقب استعمال یا ارجاع وضعیت از سوی دادرسان، امکان اتخاذ رویکرد واقع‌بینانه‌تر و عادلانه‌تری فراهم شود. امروزه، بررسی‌های روان‌شناختی و مطالعات بالینی با بهره‌گیری از وسایل کارشناسی نوین انجام می‌پذیرد و چارچوب مسؤولیت کیفری برخلاف گذشته، محدود و محصور در الفاظ قانونی و استنباط‌های قضایی نیست. توجه به مبادی و مبانی تکوین رفتار ارادی در پرتو یافته‌های نوین علمی ضرورتی است که از سوی قانون‌گذار باید مدنظر قرار گیرد. عمده چالش‌های نظری و قانونی موجود در عرصه مسؤولیت کیفری، به‌مثابه پل استقرار حقوق کیفری ناشی از عدم اهتمام جدی قانون‌گذار به اراده است. تبیین صحیح مفهوم اراده و تصدیق قانونی اثر هر مؤلفه از مؤلفه‌های آن، زمینه‌ساز رفع بسیاری از چالش‌هاست، همچنانکه بحث راجع به اراده مدخل ورود به حقوق جنایی است، هم‌زمان، مخرج چالش‌های موجود در حوزه مسؤولیت کیفری است. به‌رغم تحولات قانونی پدیدار در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، هنوز حوزه مسؤولیت کیفری بر محوریت رکن اراده، از حیث موجبات، شرایط و موانع، با کاستی‌ها و چالش‌های بسیار روبه‌روست. انتظار می‌رود قانون‌گذار، با بهره‌گیری از رهیافت‌های نظام‌های پیشرو و مترقی در عرصه مسؤولیت

- امام، محمدکمال‌الدین (۱۹۹۱). *المسؤولیه الجنائیه أساسها وتطورها*. الطبعة الثانية، بيروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر و التوزيع.
- انصاری، محمد (۱۴۱۹). *فوائد الاصول*. الطبعة السادسة، قم: مجمع الفكر الاسلامی.
- آزمایش، سیدعلی (۱۳۹۶). *تقریرات حقوق کیفری عمومی (مبحث رکن روانی و مسؤولیت کیفری)*. مقطع کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه تهران.
- بهنام، رمسیس (۱۹۸۷). *النظریه العامه للقانون الجنائی*. دون رقم الطباعة، القاهرة: دار النهضة العربیه.
- جبعی عاملی (شهید ثانی)، زین‌الدین بن محمدعلی (۱۳۹۱). *الروضه البهیة فی شرح المعه الدمشقیه*. الطبعة الثالث، قم: داورى.
- حکیم، محسن (۱۳۷۸). *حقائق الاصول*. جلد اول، چاپ اول، قم: نشر دارالعلم.
- حومد، عبدالوهاب (۱۹۸۵). *المفصل فی شرح قانون العقوبات (القسم العام المسؤولیه الجنائیه)*. الجزء الثانى، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسه نوفل.
- خدادادى، ابوالقاسم و خالدی، علی (۱۴۰۰). «بسط نظریه تقصیر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲». *نشریه فقه جزای تطبیقی*، ۱(۱): ۸۳-۹۷.
- خضر، عبدالفتاح (۱۹۷۱). «الأهلیه الجنائیه بین التحدید القانوني و التحدید العلمی (مناقشه لرأى جرماتیکا فی التحدید العلمی للأهلیه)». *المجله الجنائیه القومیه*، ۱۴(۳): ۴۳۵-۴۷۹.
- خوئی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). *تكملة المناهج (قصاص)*. ترجمه خلیلی قبله‌ای خویی، چاپ دوم، تهران: انتشارات سمت.
- الزلمی، مصطفی‌ایبراهیم (۱۹۸۱). *المسؤولیه الجنائیه فی الشریعه الإسلامیه (دراسة مقارنة بغداد)*. الطبعة الاول، البغداد: مطبعه أسد.
- سلیمانی، فاطمه (۱۳۸۴). «بررسی اراده انسان از دیدگاه متکلمین و فلاسفه اسلامی». *نشریه مشکواه النور*، ۹(۳۰): ۳۶-۵۶.
- السنهوری، عبدالرزاق أحمد (۱۹۶۶). *نظریه العقده*. المجلد الأول، الطبعة الأولى، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- شیروی، مهسا و رستمیان، حنظله (۱۳۹۰). «بررسی نقش اراده در تحقق مسؤولیت کیفری در نظریات جرم‌شناختی و تأثیر آن بر مسؤولیت کیفری منحرفین جنسی». *مجله علمی و پژوهشی حقوق پزشکی*، ۵(۱۷): ۴۳-۸۳.
- صادقی، محمدهادی و تنهایی، فرزاد (۱۳۹۶). «ماهیت اختیار و جایگاه آن در حقوق کیفری». *فصلنامه پژوهش حقوق کیفری*، ۶(۲۱): ۳۹-۷۲.
- عالیه، سمیر (۱۹۹۶). *أصول قانون العقوبات (القسم العام)*. الطبعة الأولى، بیروت: المؤسسة الجامعية للدراسات والنشر و التوزيع.
- عبدالمنعم عبدالله، فراس (۲۰۰۱). «القصد الجنائی الإحتمالی (دراسة مقارنة)». رساله دکتورا، مقدمه إلی مجلس کلیه القانون، البغداد: جامعه بغداد.
- العوجی، مصطفی (۱۹۸۵). *القانون الجنائی العام المسؤولیه الجنائیه*. الجزء الثانى، الطبعة الأولى، بیروت: مؤسسه نوفل.
- الفارابی، محمد (۱۴۲۱). *آراء أهل المدینة الفاضله*. الطبعة الرابع، بیروت: دار و مکتبه الهلال.
- کوهیان افضل، امین؛ غلامحسین، مسعود و شکرچی‌زاده، محسن (۱۴۰۰). «بررسی اشکال مداخله و مسؤولیت کیفری جرم ترک فعل در حقوق کیفری ایران و انگلستان». *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی میان‌رشته‌ای*، ۲(۳): ۱-۱۵.
- کندی، یعقوب (۱۳۶۹). *رسائل الکندی الفلسفیه*. بیهتمام محمدعبدالهادی أبوزیده، الجزء الاول، الطبعة الاول، قاهره: دارالفکر العربی.
- محمدزکی، محمود (۱۹۶۷). *آثار الجهل و الغلط فی المسؤولیه الجنائیه*. الطبعة الأولى، قاهره: دارالفکر العربی.

- الموسوی الخوئی، السید ابوالقاسم (۱۹۷۶). *مبانی تکمله المنهاج*. الجزء الثاني، الطبعة الثالث، النجف: مطبعة الآداب.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله (۱۳۶۹). *تحریر الوسیله*. چاپ دوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- موسوی مجاب، سیددرید (۱۳۸۸). *نقش اراده در مسؤولیت کیفری (با رویکرد به نظام حقوقی ایران)*. چاپ اول، تهران: انتشارات بهنامی.
- نجیب حسنی، محمود (۱۹۷۴). *النظریه العامه للتصد الجنائی*. الطبعة الثانيه، القاهره: دون اسم مطبعه.
- نوبهار، رحیم و خط شب، محمدرضا (۱۳۹۶). «اراده آزاد به‌مثابه رکن مسؤولیت کیفری در جدال سازگارانگاری و ناسازگارانگاری». *مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی*، ۵(۹): ۸۷-۱۱۳.

ب. منابع انگلیسی

- Ba'albaki, M & Ba'albaki, R (1999). *Al-Mawrid Dictionary*. 4th ed., Beirut: Dar El-Ilm Lilmalayin.
- Gramatica, F (2014). *Principes de Défense Sociale*. Paris: Editions Cujas.
- Shute, S & Simester, P (2002). *Criminal Law Theory: Dictionary of the General Part*. 1st ed., Oxford: Oxford University Press.
- Wharton, F (2017). *Philosophy of Criminal Law*. Florida: WMW. Gaunt & Sons Inc.
- Williams, G (2011). *Criminal Law (The General Part)*. 2nd ed., London: Anonymous Publications.